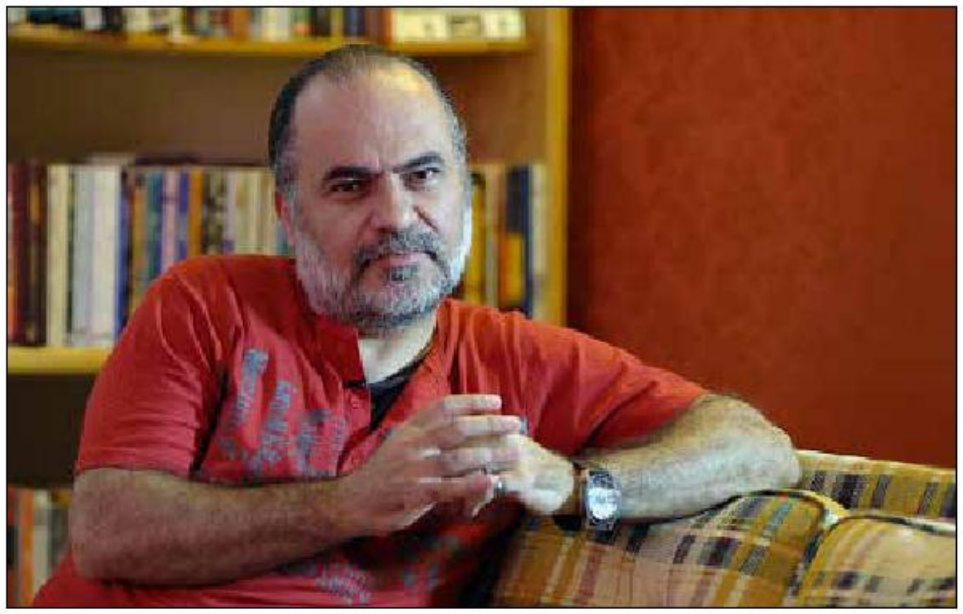

کیوان علیمحمدی؛ کارگردان «سینما شهرقصه» از حال و هوای جدیدترین فیلمش می‌گوید:

عشق بازی با سینما

در تاریخ سینما، فیلم‌های زیادی وجود دارد که تعداد نویسندگان آن‌ها بیشتر از یک نفر است، همینطور تعداد آثاری که دو نفر یا بیشتر تهیه‌کننده داشتند هم کم نبوده، اما فیلم‌هایی که دو کارگردان همزمان داشته باشند، زیاد نیست. نکته جالب همین فیلم‌های به ظاهر اندک یک نام مشترک است؛ کیوان علیمحمدی که تا به امروز پنج فیلم بلند سینمایی ساخته و در هر پنج اثر، فیلمش یک کارگردان دیگر هم داشته است. او چهار فیلم اولش را با امید بنکدار ساخته و برای پنجمین اثرش که امسال در جشنواره حضور دارد، با علی حیدری همراه شده است. یک روز پیش از پایان اکران فیلم‌ها در جشنواره سی‌وهشتم، در پردیس ملت با علیمحمدی درخصوص «سینما شهرقصه» گپ زدیم؛ فیلمی که آخرین حضور مرحوم جمشید مشایخی در سینما و اثر مهمی در جشنواره امسال است.

نمایی از فیلم

به عنوان اولین سوال، بد نیست بدانیم چرا بعد از چهار اثر مشترک با امید بنکدار، «سینما شهر قصه» را بدون حضور او ساختید؟

بعد از اتفاقاتی که برای فیلم «گیلدا» افتاد و بحث‌های پروانه نمایش و هزار و یک گرفتاری دیگر که خیلی شرایط سختی را برایمان رقم زد، امید ترجیح داد که مقداری از فضا فاصله بگیرد. همین ابتدای کار این را هم بگویم که خیال دوستان راحت باشد، فیلم‌های بعدی که قرار است آن‌ها را بسازیم با امید و همینطور علی حیدری پیش خواهد رفت.

تجربه همکاری با علی حیدری چطور بود؟

این سومین فیلمی است که علی حیدری همراه ماست و قبل از «سینما شهرقصه»، در «ارغوان» و «گیلدا» هم با ما بود. البته امید بنکدار هم در این کار حضور داشت و از زمان نوشتن فیلمنامه تا زمان تدوین به ما کمک کرد و مرحله به مرحله همراهمان بود، ولی گفت که در حال حاضر شرایطش را ندارد که بتواند این فیلم را با هم راه بیندازیم، چون واقعا فیلم سختی بود.

یک نکته در مورد فیلم‌های شما این است که هر پنج فیلم بلندتان دو کارگردان داشته است، در حالی که کارگردان‌ها دوست دارند نظر آخر را خودشان بدهند. این همکاری در آثار شما چطور شکل می‌گیرد؟

اول اینکه کار سینما یک کار تیمی است. بعد هم من و امید از دوران دانشجویی با هم همکلاسی بودیم و سال‌ها با هم کار کردیم، بعد هم علی حیدری به ما اضافه شد و در سه کار اخیر حضور داشت. در مورد مدل کارگردانی هم ما قبل از شروع کار روی تمام جزئیات بحث و جدل و دعوا می‌کنیم تا به یک جمع‌بندی برسیم و در طی مسیر تنش‌هایمان خود به خود کمتر می‌شود. در هر صورت، ما این شکل فیلمسازی را یاد گرفتیم و همیشه هم همینطور بوده است، ولی فرمولی نیست که بشود آن را به هر کسی توصیه کرد.

چالش‌های به وجود آمده در حین کار را چطور حل می‌کنید؟

ما خیلی وقت‌ها با هم دعوا می‌کنیم، ولی معمولا دعواهایمان قبل از کار اتفاق می‌افتد، نه سر صحنه!

کمی هم راجع به «سینما شهر قصه» گپ بزنیم، قصه فیلم جدیدتان چیست؟

این فیلم روایتگر ماجرای یک تکنسین آپارات است که عاشق سینماست و از قبل از انقلاب شروع می‌شود و جلو می‌آید. بعد از انقلاب و تغییر جریان سینما، این آدم به فیلم‌های جدید علاقه‌ای پیدا نمی‌کند و ما در این فیلم مسیر حرکتی سینمای ایران را از زاویه دید این کاراکتر می‌بینیم. در «سینما شهرقصه» تاریخ معاصر را در دل سینما مرور می‌کنیم و تاریخ سینمای هنری و تجاری را در دل تاریخ معاصر می‌بینیم؛ یعنی این دو با هم جفت هستند.

اینطور به نظر می‌رسد که پروژه سنگینی بوده است.

بله کار خیلی سنگین و تجربه سختی بود. دقیقا از زمانی که نوشتن فیلمنامه کار را شروع کردیم تا رسانده‌ش به جشنواره، دو سال طول کشید ولی آن را دوست دارم چون یک عشق بازی با سینما بود؛ نتیجه سال‌ها تجربه خودمان با فیلم‌ها و سینما، از دهه شصت که دوران نوجوانی‌مان بود تا آرام آرام که جلوتر آمدیم و بزرگ شدیم و نتیجه آن شد «سینما شهرقصه».

به نظر می‌آید با توجه به تاریخ روایت قصه، یکی از مشکلاتتان طراحی صحنه و فضاسازی کار بوده، درست است؟

وقتی بخواهی فضای دهه پنجاه و شصت ایران را بسازی و دوربین را به فضای بیرونی ببری، باید برای تک تک لحظات برنامه داشته باشی. به هر حال تهران چه از نظر سر و ظاهر آدم‌ها، ماشین‌ها، معماری و... تغییر کرده است و برای ساخت این فضا باید به این ریزه کاری‌ها توجه داشت.

به جز این مساله، سر ساخت «سینما شهر قصه» با چه چالش‌هایی مواجه بودید؟

اصولا فیلم سختی بود. جدا از اینکه در طراحی صحنه و لباس چالش داشتیم، بعضی‌ها که باید به فیلم کمک می‌کردند، دریغ کردند. مثلا برای ساخت سکانس‌های جنگی احتیاج به جایی داشتیم که بتوانیم این فضا را بسازیم، ولی متاسفانه با ما همکاری نکردند.

این اتفاق به چه دلیلی رخ داد؟

چون می‌گفتند این فیلم در مورد سینمای قبل از انقلاب است. خلاصه خیلی‌ها با ما همدلی نداشتند و این شرایط را برایمان سخت کرده بود.

یکی از ویژگی‌های آثار شما پر بازیگر بودن فیلم‌هایتان است، در این فیلم هم تیم بازیگران پر و پیمانی دارید؛ چطور به این ترکیب رسیدید؟

ما چون از همان دورانی که فیلم کوتاه می‌ساختیم، به کار حرفه‌ای اعتقاد داشتیم؛ حتی برای نقش‌های کوتاه هم از بازیگر حرفه‌ای استفاده می‌کردیم. این شیوه ما بوده و هر فیلمی که می‌خواستیم بسازیم با همین روش ساخته شده که از بازیگران دعوت می‌کنیم، فیلمنامه را به آن‌ها می‌دهیم و اگر دوست داشته باشند با هم همکاری می‌کنیم، در حقیقت انتخاب بازیگران کار سختی نیست!

??????
??????
??????
??????
??????
??????
??????
??????
??????
??????
??????
??????

البته برای خیلی‌ها جمع کردن چنین تیمی سخت است!

شاید اینطور باشد، ولی برای ما همیشه این ساده‌ترین بخش کار بوده است.

«سینما شهر قصه» آخرین فیلم مرحوم مشایخی است، همکاری با ایشان چطور بود؟

سکانس مربوط به ایشان در یک روز بود و آن هم روز خاطره‌انگیزی شد. آقای مشایخی اصلا حال خوبی نداشت و با پرستارشان سر صحنه آمده بود، در حالی که در آن مقطع روزی ۲۷ قرص مصرف می‌کرد. پرستارش در همان روز می‌گفت که به عشق اینکه امروز به سر صحنه می‌آید، سه روز است که حال خوبی دارد، در طول مسیر هم دیالوگ‌هایش را تمرین می‌کرد که سر فیلمبرداری آن‌ها را فراموش نکند. خانم هدیه تهرانی هم که سابقه همکاری با ایشان را داشت، خیلی کمک کرد که حضور آقای مشایخی بدون کوچکترین مشکلی رقم بخورد، چون واقعا شرایط جسمی جناب مشایخی اصلا مساعد نبود و خیلی خوشحالم که این اتفاق افتاد. چون اگر جمشید مشایخی یا هدیه تهرانی هر کدامشان نبودند، نمی‌توانستیم این سکانس را بگیریم. این بخش منوط به حضور هر دو بود که خدا رحمت کند در کنار هم قرار گرفتند و ما توانستیم آن را بگیریم و واقعا تجربه دلچسبی بود.

به نظر شما فیلم «سینما شهر قصه» اثر جشنواره پسندی است؟

راستش را بخواهید به این چیزها فکر نمی‌کنم. در این چند روز در اکران مردمی آنچه که حس کردیم این بود که مردم خیلی فیلم را دوست داشتند، با آن همراه بودند و در نهایت خوشحال از سینما بیرون می‌آمدند. به همین خاطر به نظرم آن اتفاقی که باید می‌افتاد، افتاده است.

واقعا امیدوارم ما هم خوشحال از سالن بیرون بیاییم، چون در این دوره از جشنواره بعد از تماشای اکثر فیلم‌ها یا عصبانی بودیم، یا غمگین و افسرده!

چون این فیلم اثری است که طنازانه به سینما نگاه می‌کند، در انتها حال خوبی به مخاطب می‌دهد، بازخوردی هم که تا به امروز داشتیم این بود که مردم خوشحال از سالن بیرون می‌آمدند.

پیش‌بینی شما از اکران عمومی چیست، امید دارید که فیلم مثلا در نوروز اکران شود؟

مقوله پخش خیلی در حوزه فعالیت ما نیست و مقوله پیچیده‌ای هم هست، ولی بازخوردهایی که از مدیران سالن‌های سینما داشتیم و همه می‌پرسیدند که فیلم چه زمانی اکران می‌شود، نشان می‌دهد که مدیران سینماها هم از اینکه این فیلم به زودی اکران شود، استقبال می‌کنند.